علی دورانی در گفت‌وگو با «شرق» مطرح کرد

اختلاف سلیقه، مانع ائتلاف اصولگرایان

نسترن افشون

شن‌های ساعت شنی انتخابات در حالی آرام‌آرام به ته ظرف نزدیک‌تر می‌شود که اصولگرایان هنوز نتوانسته‌اند ائتلاف‌های متعددی را که در این دوره تشکیل شده، زیر یک ائتلاف واحد گردهم آورند. این در حالی است که شمارش معکوس روز برگزاری انتخابات یعنی ۲۴خرداد آغاز شده اما هنوز خبری از به توافق‌رسیدن بر سر کاندیدای واحد به گوش نمی‌رسد. علی دورانی، فعال سیاسی اصولگرا در گفت‌وگو با «شرق» درباره چرایی ائتلاف‌های متعدد اصولگرا نکاتی را بیان کرد. او معتقد است عمر جریان اصولگرایی با تعریف حزبی آن به پایان رسیده و با تنفس مصنوعی ادامه می‌دهد. دبیر ائتلاف فراگیر اصولگرایان در انتخابات مجلس هشتم نشناختن جریان سیاسی، سهم‌خواهی، گرفتن پست‌های کلیدی، قبول‌نکردن و نپذیرفتن حکمیت و شیخوخیت بزرگان را عامل این موضوع می‌داند.

چرا جریان اصولگرایی که همواره نهادی میان گروه‌های اصولگراست، در انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم با ائتلاف‌های متعددی مواجه شد؟

بعد از سالیان متمادی که در تعاریف سیاسی، دو قطب اصولگرا و اصلاح‌طلب را به عنوان دو قطب اصلی آرایش سیاسی در کشور داشتیم به نوعی عمر این دو جریان به پایان رسیده و آنچه باعث شده هنوز در محاورات سیاسی از این دو اصطلاح استفاده شود، تنفس مصنوعی بوده که به واسطه اتفاقاتی که در سال ۸۸ در کشور افتاد، این آرایش سیاسی در کشور دمیده می‌شود. تا پیش از آن در آرایش سیاسی چیزی به عنوان اصلاح‌طلب و اصولگرا نداشتیم. وقتی که جریان اصولگرایی را پایان‌یافته تلقی کنیم اگر بخواهیم ائتلاف‌هایی به این نام هم در فضای سیاسی شکل بگیرد طبیعتا ائتلاف‌های دقیق و کاملی نخواهد بود و حداقل اینکه وجه تسمیه درستی ندارد.

به هر حال ائتلاف‌های شکل‌گرفته خود را منتسب به جریان اصولگرایی می‌دانند و افرادی هم که در درون این ائتلاف‌ها حضور دارند همگی شناسنامه اصولگرایی دارند.

یک مشکل اساسی که اصولگرایان از قبل داشتند این است که فعالان سیاسی که برای اصولگرایان فعالیت می‌کردند، با تعریف‌های غیردقیق خودشان و تعریف‌هایی که بیشتر به سمت منافع حزبی خودشان بود، در آرایش‌های سیاسی از تابلوهایی سیاسی استفاده می‌کردند و همین تناقض باعث شده بود که نوعی بی‌تعادلی در فعالیت‌های سیاسی و انتخاباتی آنها شکل بگیرد.

یعنی می‌خواهید بگویید که این افراد که با اسم اصولگرایی فعالیت می‌کنند، اصولگرا نیستند؟

بعد از سالیانی که اینها از اصولگرایی به عنوان تابلوی حزبی خودشان استفاده کردند و اصول و ارزش‌ها را دستمایه قرار دادند عمر اصولگرایی با همین تعاریفی که فعالان اصولگرا داشتند به پایان رسید و سال ۸۸ نقطه پایانی تقسیم‌بندی اصولگرایی و حتی اصلاح‌طلبی بود. در واقع اتفاقات سال ۸۸ باعث شد که به نوعی این آرایش سیاسی تنظیم شود و تنفس مصنوعی به این آرایش سیاسی داده شود.

اما به هر حال در زیر ائتلاف‌های اصولگرایی قرار گرفته‌اند؟

بله، در این انتخابات باز دیدیم که با تابلوی اصولگرایی بعضی از ائتلاف‌ها شکل گرفت. طبیعتا به خاطر محدودیت‌هایی که از سال ۸۸ بر جریان‌های سیاسی اعمال شد، جریانات اصولگرا، اگر می‌خواستند کاندیداهای ریاست‌جمهوری و جریان واقعی آنها در این انتخابات از عنوانی غیر از اصولگرا استفاده کنند چه بسا به تعارض با نظام و رعایت‌نکردن مصالح ملی متهم می‌شدند. دیدیم که دو ائتلاف تشکیل شد؛ ائتلاف اکثریت (پنج‌نفره) و ائتلاف سه‌نفره. ائتلاف پنج‌نفره مشخص بود که خیلی از کاندیداهای آنها مورد تایید شورای نگهبان قرار نمی‌گیرند.

چرا؟

چون با ممیزی جدیدی که شورای نگهبان داشت صلاحیت آنان از سوی شورای نگهبان مورد تایید قرار نمی‌گرفت و از طرف دیگر اینکه در نظرسنجی‌ها وضعیت بسیار ضعیفی داشتند و در واقع ائتلاف قابل‌اعتنایی نبود. اما ائتلاف سه‌نفره با وجود آقای قالیباف که به عنوان کاندیدای اصلی ائتلاف پیشرفت، مدنظر بود، تاثیرات خاصی را در فضای سیاسی گذاشت اما با گذشت زمان مشخص شد که اعضای این ائتلاف با وجود اینکه از اسم اصولگرایی استفاده می‌کنند به تعهدات شخصی که به این ائتلاف داشتند و پیمانی که با هم بسته بودند توجهی ندارند، وعده‌شکنی کردند، ظرفیت عمل به پیمان خودشان را نداشتند و در واقع ائتلاف سه‌نفره هم با شکست مواجه شد و این ناکامی باعث شد که به نوعی اعتماد عمومی به این افراد کم شود، مخصوصا کسانی که مشخص شد زیر بار تعهدات خودشان نمی‌روند و با بهانه‌های واهی می‌خواهند در فضای انتخابات ریاست‌جمهوری باقی بمانند و حاضر نیستند از حداقل امیدی که دارند دست بکشند.

البته انتخاب ریاست‌جمهوری شخص‌محور است. یعنی آن کاندیدا با شخصیتی که دارد، محور قرار می‌گیرد.

دلیل این موضوع چیست؟

به دلیل اینکه احزاب تعریف‌شده مشخص سیاسی نداریم؛ به دلیل اینکه بلوک و جبهه‌های سیاسی تبیین‌شده و کاملی نداریم و طبیعتا انتخابات ریاست‌جمهوری بیشتر بر پایه اشخاص، کاندیداها، شخصیت آنها و وزن شخصی کاندیداها شکل می‌گیرد.

اما ائتلاف‌های متعددی که ایجاد شده همگی با پرچم اصولگرایی وارد انتخابات شده‌اند؟

استفاده از واژه اصولگرا فقط به دلیل این است که قسمت‌هایی از جامعه را با خود همراه کنند و در واقع میانبری است بر اینکه بعضی بتوانند از سلیقه‌های شخصی خودشان تعریف کنند.

آیا این یک نوع آفت نیست؟

این آسیب بزرگی است. براساس تجارب گذشته‌ای که داشتیم بعد از انتخابات فقط شخص رییس‌جمهور باید در مقابل رفتار خودش پاسخگو باشد. باید در مقابل وعده‌هایی که در دوران تبلیغات ریاست‌جمهوری داشتند، جوابگو باشد. طبیعتا اگر جوابگو هم نباشد چون در جایگاه ریاست‌جمهوری نشسته و منتخب مردم است و جایگاه رسمی شخص دوم مملکت را دارد قابل انتقاد و حتی قابل‌تعقیب قضایی هم نخواهد بود. در واقع به این وسیله هم قانون را می‌تواند دور بزند و هم می‌تواند به تعهداتی که به نظام و مردم دارد، به راحتی پشت پا بزند.

در دوره اصلاحات، تلاش شد تا احزاب به صورت سازمان‌مند، کار سیاسی کنند. چرا اصولگرایان از این فرصت برای تحکیم فعالیت‌های خود استفاده نکردند؟

در دوره اصلاحات احزاب بسیاری مجوز گرفتند و تعداد زیادی از حزب‌ها در دوره وی شکل گرفتند اما با وجود تاکید زیادی که ایشان بر توسعه سیاسی و نهادینه‌کردن فعالیت‌های حزبی و مدنی داشتند و با وجود تلاش هشت‌ساله ایشان، نتوانستیم احزاب قوی و توانمندی داشته باشیم. چه اینکه شاید اصولگرایان هم از این فرصت استفاده می‌کردند و احزابی قوی تشکیل می‌دادند. شاید نشان‌ندادن همین چراغ سبز به اصولگرایان در دوران اصلاحات بود که پس از جابه‌جایی باعث شد قدرت تلافی کنند و احزاب اصلاح‌طلب مورد فشار قرار گرفته و رو به تعطیلی رفتند. متاسفانه بحث احزاب نهادینه نشد و همان حداقل‌هایی هم که بود از دست رفت و به شرایط قبلی بازگشت.

راهکار یا مکانیسمی که برای عبور از این وضعیت باید ایجاد شود از نگاه شما چیست؟

راهکار این است که اگر نیاز به تشکیل حزب وجود داشته باشد - که حتما همین‌طور است - باید بیشتر مورد توجه قرار بگیرد و فرهنگ‌سازی شود. بحث مهم دیگر این است که اگر شخصی رییس‌جمهور می‌شود حتما این برنامه را داشته و این فکر را قبول داشته باشد که بحث احزاب را نهادینه کرده و کمک کند که احزاب قدرتمند و فراگیری راه بیفتد. گرچه ما از قبل مشکل فرهنگی داشته‌ایم. متاسفانه هر حزبی که یک مقدار توانمند می‌شود به خاطر بعضی از قدرت‌طلبی‌ها و بعضی از تشکیلات ضعیف و قبول‌نکردن کار تشکیلاتی، سریع به سمت انشعاب رفته و با همدیگر سر ناسازگاری پیدا می‌کنند یا آن حزب ضعیف شده از بین می‌رود یا ناکارآمد می‌شود. پس اگر می‌خواهیم نظام حزبی توانمندی داشته باشیم و ساختار انتخاباتی‌مان منظم شود و از شر این ائتلاف‌های موسمی و مقطعی نجات پیدا کنیم و با شفافیت عرصه را دنبال کنیم می‌بایست به سمت این برویم که دو یا سه حزب توانمند و فراگیر داشته باشیم. اگر مردم علاقه‌مند هستند که این اتفاق بیفتد حتما باید یکی از شاخصه‌های رای‌شان به رییس‌جمهور بعدی توجه رییس‌جمهور به منظم‌شدن فعالیت‌های سیاسی در قالب احزاب قوی را مدنظر قرار دهند.

به هر حال ائتلاف‌های متعددی که اکنون بین جریان اصولگرایی شکل گرفته قابل انکار نیست؟ آیا این موضوع نشان از انشقاق در درون این جریان دارد؟

وقتی عرض کردم که اصولگرایی مدتی است پایان یافته منظورم همین بود. در واقع سلیقه‌های موجود در جناحی که الان معروف به اصولگرایی است، آنچنان متفاوت شده و نقاط نزاعش مشخص‌شده که در دل یک ائتلاف یا دو ائتلاف نمی‌گنجد. در واقع تفاوت نگاه آقای حداد عادل یا آقای زاکانی یا آقای ولایتی با آقای قالیباف با آقای رضایی آنچنان زیاد است که ما نمی‌توانیم اینها را در قالب یک جناح ببینیم و همه را بگوییم اصولگرا و آنها را در قالب یک ائتلاف ببینیم و توقع هم داشته باشیم که دو نفر به نفع یکی کنار بروند و در نهایت یک کاندیدای نهایی داشته باشند. به دلیل اینکه اختلاف سلیقه به صورت جدی بین اینها مطرح بوده و هست به هیچ‌عنوان مکانیسمی برای رسیدن به کاندیدای اصلح و صالح معقول نمی‌توانست باشد. شاید برخی از کاندیداها هم از اول این موضوع را می‌دانستند.

پس چرا افراد وارد این ائتلاف‌ها می‌شوند؟

چون ورود به یکی از این ائتلاف‌ها را شرط جدی‌شدن در کاندیداتوری خودشان می‌دانستند. بعضا می‌خواستند با ورود به این ائتلاف‌ها از مشهوریت و هژمونی فراگیری که کاندیدای دیگری داشتند استفاده یا به نوعی سوءاستفاده کنند.

برخی معتقدند که سهم‌خواهی و گرفتن پست‌های کلیدی در دولت آینده هدف اصلی ورود برخی به عرصه‌های انتخاباتی است. آیا شما چنین مساله‌ای را قبول دارید؟

اتفاقا نکته دیگری را که می‌خواستم مطرح کنم همین موضوع بود. بعضی وقت‌ها افراد با ورود به این ائتلاف به دنبال سهم‌خواهی و قدرت‌طلبی هستند. در واقع وقتی با این نیت وارد ائتلاف می‌شوند دیگر برایشان متصور نیست که بخواهند به نفع دیگری کنار بروند. در واقع نقطه نهایی این ائتلاف را خروجی خود از ائتلاف می‌دانند و غیر از این را نمی‌پذیرند. اگر بخواهیم صریح‌تر و بدون رودربایستی صحبت کنیم در همین ائتلاف ۲+۱، آقای ولایتی همان اول با نیت کنار نرفتن وارد ائتلاف شد. خیلی کارهای مقدماتی و اصلی کاندیداتوری‌اش را انجام داد. در واقع هر وقت کسی هزینه بالایی برای ساخت فیلم خود می‌دهد، نشان از این دارد که نیت کنار رفتن ندارد. اما متاسفانه بعضی از فعالان اصولگرا با ساده‌انگاری، به این داستان‌ها نگاه می‌کنند و فکر می‌کنند که این ائتلاف‌ها نتیجه دارد و منتظر هستند که خروجی داشته باشد. این خیلی بد است، در واقع کسی که به‌عنوان ریاست‌جمهوری به‌ائتلافی که مدعی است خودش تشکیل داده، پایبند نباشد چگونه می‌خواهد به وعده‌هایی که به مردم می‌دهد پایبند باشد.

قبول دارید که تلاش‌ها برای رسیدن به ائتلافی واحد در میان اصولگرایان تبدیل شده به مبارزه با ائتلاف‌های متعدد؟

منظور شما از مبارزه با ائتلاف‌ها را نمی‌دانم. اما آنچه مسلم است آنهایی که داعیه کاندیداتوری دارند و می‌خواهند ورود پیدا کنند بهتر بود در فضای رقابت انتخاباتی وارد این ائتلاف‌ها نمی‌شدند و در واقع خودشان هم دیگران را دستمایه این تردید نمی‌کردند. مثلا در همین فضا آقای رضایی هم آمد و کاندید شد. حالا کاری نداریم که او به این ائتلاف‌ها دعوت شد یا نه. حداقلش این بود که اعلام می‌کرد که من مستقل آمده‌ام و وارد ائتلاف‌ها نمی‌شوم. چون هدفش هم این بوده که تا پای صندوق رای بماند و در آن وزن‌کشی شرکت کنند و بعد دیدگاهش را در معرض افکار عمومی قرار دهد و رای جمع کند. حالا اگر کاندیداها هم یک‌چنین نگاهی داشتند، در واقع تشکیل ائتلاف و ورودشان به ائتلاف‌ها به عنوان حیله و دورزدن افکار عمومی و عامه مردم بوده است. در واقع تشکیل این ائتلاف‌ها غلط بوده آن‌هم در جایی که ما فقط یک‌نفر را برای انتخابات ریاست‌جمهوری می‌خواهیم. وقتی که ظرفیت پذیرش شکست را در ائتلاف نداشتند ورود و تشکیل ائتلاف از اول یک خط سیاسی بوده است.

عکس: آیدین رهبر، شرق

اساسا چرا ائتلاف‌هایی تشکیل می‌شود و افرادی در درون این ائتلاف‌ها قرار می‌گیرند که از نظر فکری نزدیکی زیادی هم با هم ندارند؟

همان‌طوری که گفتم با ورود به این ائتلاف‌ها کاندیداتوری‌شان جدی می‌شود. در مباحث سیاسی و رسانه‌ای روز موردتوجه قرار می‌گیرند. شاید کمک کند به اینکه به عنوان رجل سیاسی و مذهبی مورد تایید شورای نگهبان قرار گیرند. نکته دیگر می‌خواهند در قرار گرفتن در این ائتلاف از توانمندی کاندیدای دیگر استفاده کنند.

آیا تشکیل ائتلاف‌های متعدد را می‌توان در احساس بی‌رقیب‌بودن در انتخابات دانست. از این‌جهت که برخی از کاندیداها احساس می‌کنند رقابت فقط میان اصولگرایان است و از این جهت رقابت بین جناح‌ها تبدیل به رقابت درون‌جناحی شده است؟

می‌تواند این باشد که پیش‌بینی کنند با ردشدن کاندیدای اصلاح‌طلب فضای تک‌قطبی به‌وجود بیاید و می‌خواهد یک رقابت درون‌جناحی شکل گیرد و افراد بیشتری کاندیدا شوند. اما این نفعش هم با تشکیل ائتلاف در تناقض است. درواقع نوعی گیجی در تشکیل این ائتلاف‌ها مشهود است.

چقدر عملکرد آقای احمدی‌نژاد را در ائتلاف‌های متعدد اصولگرایان تاثیرگذار می‌دانید؟

البته اینطور نبود. احمدی‌نژاد شخصی بود که سال ۸۴ ائتلاف اصولگرایان را شکست. یعنی اولین ضربه را ایشان با خروجش از میثاقی که بسته بود، وارد کرد. اما بعدا که انتخابات دوقطبی احمدی‌نژاد و هاشمی شد، خیلی‌ها از هول آقای هاشمی از احمدی‌نژاد حمایت کردند. درواقع اگر بخواهیم سابقه این ائتلاف‌شکنی‌ها را ببینیم، یکی از مقصران آن احمدی‌نژاد است که در سال ۸۴ این کار را انجام داد و در واقع این پایه غلط را بنانهاد.

بالاخره احمدی‌نژاد با حمایت اصولگرایان بر سر کار آمد یا نه؟

با حمایت اصولگرایان برسر کار آمد اما اینطور نبود که در ابتدا با خواست اصولگرایان، احمدی‌نژاد کاندیدا شده باشد. در ابتدا حتی بسیاری از اصولگراها از وی می‌خواستند که از دایره کاندیداتوری خارج شود. در واقع تاکید شخصی وی بر ماندن در انتخابات وضعیتی به وجود آورد که انتخابات، هم از طرف اصولگرایان و هم اصلاح‌طلبان به صورت چندکاندیدایی جلو رفت و در دور دوم چون رقیبش آقای هاشمی بود، اصولگرایان کمک ویژه‌ای به آقای احمدی‌نژاد کردند و الان او مدیون کمک اصولگرایان است. البته این توضیح که بنده دادم منافی این نیست که احمدی‌نژاد هم اصولگراست و اصولگرایان هم باید پاسخگوی عملکرد او در حال حاضر و در آینده نیز باشند. سال ۸۴ آغاز چندسلیقگی در بین اصولگرایان بود و این موضوع باعث شد که با چند کاندیدا وارد شوند. ضمن اینکه وقتی که ما نسل اول انقلاب را پشت‌سر گذاشتیم آن شیخوخیت در بین نیروهای نسل‌های بعدی کمرنگ‌تر شد. در واقع وقتی این اتفاق افتاد دیگر نباید انتظار داشت که بتوانند سلیقه‌های مختلفی که در این جریان است، با یک کاندیدا وارد انتخابات شوند، مثلا اگر بخواهیم انتظار داشته باشیم بعضی از نیروهای تندرو مثل جبهه پایداری یا جمعیت ایثارگران یا جمعیت رهپویان یک کاندیدا داشته باشند و اصولگرایان منتقد نیز با اینها در یک کاندیدا مشترک باشند، این اتفاقات هرگز نمی‌افتد.

ادامه از صفحه ۹

نامزدی؛ ائتلاف، بی‌ائتلاف

انصار حزب‌الله، حزب‌الله ایران، آبادگران ایران اسلامی، جمعیت فداییان اسلام، جامعه انجمن‌های اسلامی بازار و اصناف، جامعه زینب، جامعه وعاظ، جامعه اسلامی کارمندان، جمعیت زنان انقلاب اسلامی، انجمن اسلامی زنان پیرو اهل‌بیت، جامعه اسلامی فرهنگیان، انجمن اسلامی فارغ‌التحصیلان شبه‌قاره هند، جمعیت فداییان رهبر، نهضت اسلامی تعاون، جامعه اسلامی نمایندگان ادوار مختلف، انجمن اسلامی جامعه پزشکان، هیات هنرمندان، حزب تمدن اسلامی و نیز تشکل‌های دانشجویی همچون جامعه اسلامی دانشجویان، جنبش عدالتخواه دانشجویی، انجمن اسلامی دانشجویان مستقل، دفتر تحکیم وحدت (شاخه شیراز) و گروه‌های متعدد دیگر که در شهرهای بزرگ کشور با گرایش راست، اعم از سنتی و امروزی تشکیل شده تا در جبهه‌ها و ائتلاف‌های گوناگون، فعالیت سیاسی کنند و در انتخابات فعال باشند. نباید فراموش کرد که مراکز سیاسی، مذهبی، علمی و اقتصادی دیگری هم هستند که نیروهای محافظه‌کار در آنها حضور فعال دارند و در موضعگیری‌های سیاسی به نفع جناح راست، وارد صحنه می‌شوند. شناخته‌شده‌ترین آنها عبارتند از جامعه روحانیت مبارز تهران، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، و بعضی از ارگان‌های غیرسیاسی، تبلیغی، تربیتی، انتشاراتی و پژوهشی.

۴- فعالیت‌های سیاسی این همه حزب و گروه و سازمان و ارگان و انجمن متعلق به اصولگرایان، در طول سی‌وچندسال گذشته، تاکنون هیچ‌یک از این همه تشکل، به‌طور جدا و مستقل یک رییس‌جمهور عرضه نکرده‌اند. این امر باعث شد که با گردآوری تعدادی از آنها، به یک جبهه یا ائتلاف برسند و فعالیت خود را از تک‌حزبی به چندحزبی و جبهه‌ای تبدیل کنند. حتی احزاب باسابقه‌ای چون حزب موتلفه اسلامی تاکنون نتوانسته به‌طور مستقل، یک فرد را به راس سیستم اجرایی و مدیریت کشور وارد کند و همیشه از فردی که توسط دیگران معرفی شده، حمایت کرده است. می‌توان حزب‌ها و تشکل‌هایی از این دست را تشکل‌های «غیرموثر» نامید. معمولا اشخاص و افرادی با هم ائتلاف می‌کنند که مثلا یکی بماند و دیگران به نفع آن یکی کنار روند، اما بارها دیده شده که چنین اتفاقی نیفتاده است و سر بزنگاه، همه افراد ائتلاف کرده، اگر از فیلتر دستگاه‌های نظارتی گذشته باشند بر سر موضع خود می‌مانند و ترک صحنه را به یکدیگر تعارف می‌کنند. انتخابات امسال از این نمونه‌ها دارد، اما بد نیست یک مورد مربوط به سال‌های گذشته را مرور کنیم. در یکی از انتخابات ادوار مجلس شورای اسلامی، یکی از نامزدهای حوزه انتخابیه دماوند و فیروزکوه، به مسوول ستاد خود که اهل فیروزکوه بود سفارش کرد که برای انتخابات مجلس ثبت‌نام کند. پس از ثبت‌نام هردو با هم ائتلاف کردند به این صورت که رییس ستاد برود فیروزکوه برای خود تبلیغ و نامزد اصلی نیز در دماوند تبلیغ کند. وقتی به روزهای آخر تبلیغات رسید، رییس ستاد، به نفع نفر دیگر ائتلاف کنار رود تا مردم فیروزکوه آرایی را که می‌خواستند به همشهری خود دهند، به نام رییس همشهری خود به صندوق بریزند. موقع کناررفتن که فرا رسید، رییس ستاد کنار نکشید و به نامزد اصلی گفت من بیشتر از تو رای می‌آورم و تو کنار برو. نامزد اصلی هم که نماینده مجلس بود، باورش نمی‌شد که او رای نیاورد. القصه، هر دو در صحنه ماندند و در کمال ناباوری نامزد اصلی، رییس ستاد او، رقیب جدی‌اش شد و انتخابات به دور دوم کشید. در دور دوم هم، رییس ستاد، آرای مردم فیروزکوه و بخشی از آرای مردم دماوند را کسب کرد و به مجلس شورای اسلامی راه یافت. در نهایت هم نامزد اصلی از این ائتلاف دونفره ساده، پشیمان شد و نتوانست نمایندگی مجلس را ادامه دهد. از این نمونه‌ها به دفعات اتفاق افتاده و ائتلاف‌ها، چه‌بسا با خلف وعده طرف‌ها مواجه شده و پایدار نمانده است. در انتخابات یازدهم ریاست‌جمهوری که فعلا در جریان است، دو ائتلاف نامزدی در جناح اصولگرایی شکل گرفت. یکی ائتلاف پنج‌نفر که کسی از آنها باقی نماند و یکی ائتلاف ۲+۱ که تاکنون هرسه نفرشان در صحنه هستند و با حدت و شدت به جلب نظر مردم مشغول هستند. از گفته‌های هرکدام برمی‌آید که کناررفتنی نیستند مگر اینکه ریش‌سفیدان جناح، وارد گود شوند. جالب اینکه دیگر احزاب و گروه‌های اصولگرا منتظرند تا همان ریش‌سفیدان و بلند پایگان جناحی تکلیفشان را برای حمایت هریک از سه نفری که ائتلافشان از هم پاشیده، روشن کنند.

۵- می‌دانیم که اگر یک گروه یا یک فرد از جمع‌بندی موقعیت خود در فضای سیاسی کشور به این نتیجه رسید که از حمایت اکثریت مردم برخوردار نیست به فکر ائتلاف، گروه یا فردی که از موقعیت نسبتا بهتری برخوردار است می‌افتد و آن گروه یا فرد نیز که فکر می‌کند در ائتلاف، پیشرفت بهتری وجود دارد، از ائتلاف با متقاضی استقبال می‌کند و این دو گروه یا دو فرد، ائتلافی را شکل می‌دهند، پس از آن امکان اینکه دیگرانی نیز به آنها بپیوندند پیش می‌آید و چه‌بسا چندین گروه یا چندین شخصیت به ائتلاف دامنه‌داری دست بزنند تا آرای اکثریت مردم را برای یک گروه یا یک نفر از کاندیداهای عضو ائتلاف، به دست آورند. اما بارها شاهد این بودیم که این شیوه جلب حمایت همگانی به انتها نرسیده و در میانه راه ائتلاف‌ها یا به انشعاب منتهی یا به کدورت و ناکامی منجر می‌شود. در علت‌یابی چنین نتیجه غم‌انگیزی نظرات گوناگونی وجود دارد. یکی اینکه عناصر جناح راست، همیشه و همه‌جا حضور خود را با پشتوانه اعتقادی جلوه می‌دهند و اگر نتیجه مطلوب شد که چه بهتر و اگر مطلوب نشد ثواب کسب کرده‌اند. اما چه باید کرد که از حرف تا عمل فاصله زیادی است. ائتلاف که شکل گرفت، تبلیغات که شروع شد، سلام و صلوات‌ها که اطراف هریک از اجزای ائتلاف فوران کرد، امر بر فرد مشتبه می‌شود و می‌پندارد که مردم او را بیشتر از دیگر اجزای ائتلاف دوست دارند. از اینجا، ماموریت هریک از نامزدها تفاوت می‌کند. در ماموریت رسیدن به نتیجه، انگیزه دنیایی بر انگیزه الهی غلبه می‌کند. همین تغییر ماموریت کافی است که عناصر تشکیل دهنده ائتلاف، راه خود را از دیگران جدا کنند و در لحظه تصمیم‌گیری برای تمرکز روی یک نفر، به تمرکز روی خود فکر کنند. چنین باور و نگرشی کار ائتلاف را یکسره می‌کند و خرمن هماهنگی و همدلی و سوگندهای اولیه را به باد می‌دهد. نظر دیگری که در رابطه با شکست این ائتلاف‌ها وجود دارد، این است که هیچ‌کس حاضر نیست به نفع کسی که مثلا درباره مسایل فرهنگی، طرح و حرف جدید دارد و یا در مسایل سیاست خارجی، طرحی خاص دارد، کنار رود. این شیوه کنار هم نشستن‌ها و سپس از هم فاصله گرفتن‌ها، در تحزب و پیداکردن یار برای رونق بخشیدن به حزب و انجمن نیز در ایران رواج دارد. یعنی اگر حزبی اعلام موجودیت کرد و اساسنامه و مرامنامه خود را منتشر کرد، عده‌ای به عضویت یا هواداری آن در می‌آیند. حال اگر پس از مدتی در یکی از موضوعات مرامنامه، مثلا در موضوع فرهنگ به اختلاف رسیدند، فورا انشعاب می‌کنند حتی اگر در موضوعات دیگری مثل اقتصاد و سیاست و مسایل اجتماعی، هماهنگی کامل داشته باشند. به نظر می‌رسد که ناپایداری احزاب در ایران و کوچک‌شدن حجم و کم‌شدن فعالیت آنان به همین دلیل است که همه اعضای آن می‌بایست صددرصد مثل شورای مرکزی بیندیشند و دارای دیدگاهی همچون نویسندگان مرامنامه باشند. در غیراین‌صورت بایکوت می‌شوند. در صورتی که اعضا یا هواداران یک حزب یا یک انجمن می‌توانند، با بعضی از موضوعات مورد نظر نویسندگان مرامنامه مخالف باشند یا در ادامه نسبت به عملکرد و دیدگاه‌های جزوی شورای مرکزی انتقاد داشته باشند.

خلاصه اینکه دلیل عدم ماندگاری ائتلاف‌ها تا آخر، علاقه به کسب قدرت از سوی افراد، خودشیفتگی، ناهماهنگی در روش و منش و نداشتن روحیه کار جمعی است.

جدول ۱۷۲۱

افقی:

۱ - واسطه - خواندن قرآن با صوت ۲ - پشتیبان - معمار قصر خورنق - قلعه و حصار ۳ - شالوده - شهر محل ترور کندی - درخت تسبیح ۴ - زبان تازی - دکتر حیوانات ۵ - رمق و توان -از قاره‌های پنجگانه - محل سکونت ۶ - نوعی یقه - مقابل رویه لباس - خواهر هادی - صد متر مربع ۷ - باشکوه - پارازیت - دارای شکل ۸ - شهری در ترکستان - اسب چاپار - درس خوانده ۹ - مغرور - عموی دلیر پیامبر - زیاده‌روی ۱۰ - عدد یک رقمی - خوراک قناری - از بروج فلکی - چاق خارجی ۱۱ - دهن کجی - تاکید شده - خواب بد ۱۲ - فیلسوف آلمانی قرن هجدهم - قوی، پر زور ۱۳ - جنگ - فراوان - قبیله عرب جاهلیت ۱۴ - حنا - حاشا نمودن - پیشوا ۱۵ - بخور آن برای سرما خوردگی و زکام به‌کار می‌رود - جمع مشرب

عمودی:

۱ - از آثار خواجه عبدالله انصاری - مولف ایران باستان ۲ - سخنان بیمارگونه - ارزش - توانگر - قلعه حکومتی ۳ - اثر تربیتی ژان ژاک روسو - اسراف‌کار - واحد پول کرواسی ۴ - دریاچه‌ای در افریقای جنوبی - پارچه کهنه - آهو ۵ - سازمان فضایی - لوله گیاهی ۶ - سوره سی و ششم - وجود ندارد - اجازه داور برای شروع کشتی - بالای فرنگی ۷ - بوی نامطبوع - داروی بیهوشی - اجرت کار - دختر عرب ۸ - خاکستر - مشاور - پایتخت روسیه ۹ - دروغ ترکی - علف خشک - آستانه خانه ۱۰ - شهری در استان اصفهان -وسیع و فراخ ۱۱ - شاعره کاشانی - بخت برگشتگی ۱۲ - نت ششم موسیقی - کره خاکی - جمع سیف - باران اندک ۱۳ - گیاهی از تیره نعناییان - به رو خوابیده - طایفه‌ای در عصر هخامنش ۱۴ - پل شمال - پیشینیان - میوه نورسیده ۱۵ - مقابل پود - درک کردن - فلز گلوله

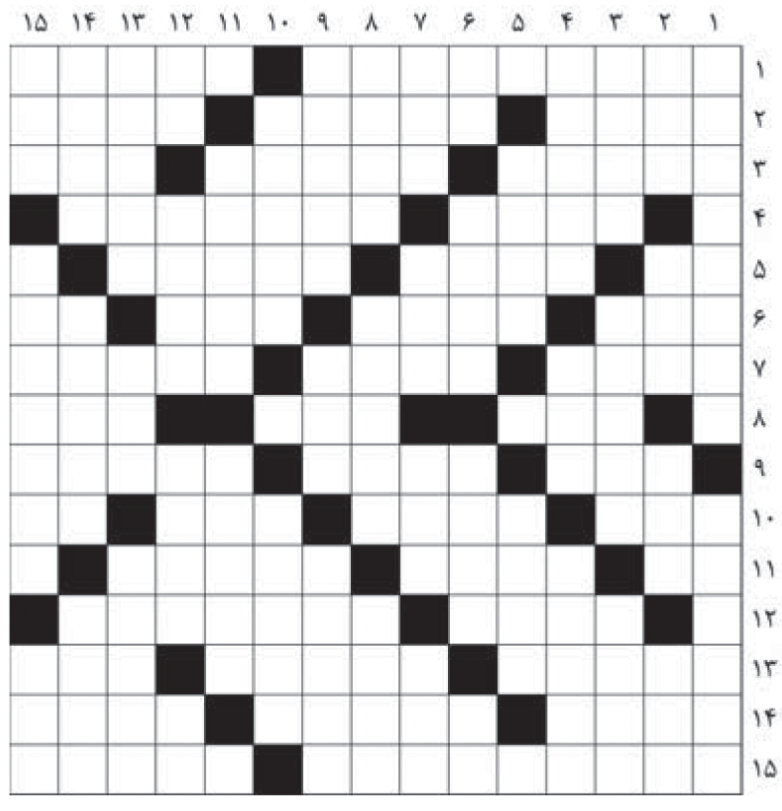

جدول ۱۷۲۰

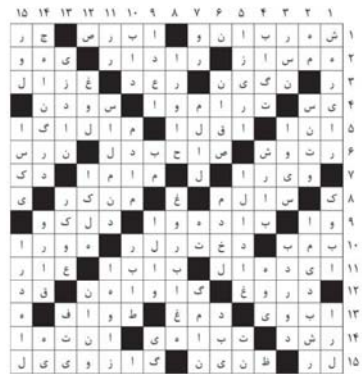

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو سخت ۳۷۳

۵				۹		۲		۳
	۹					۵	۴	
			۷			۸	۹	۱
		۵			۷		۶	
۲		۷			۶		۳	
			۲		۱			۵
				۷	۲		۱	
					۸	۶		۴
		۸				۳		

حل سودوکو سخت

۸	۴	۵	۶	۴	۱	۷	۵	۶
۶	۵	۴	۷	۴	۵	۸	۱	۱
۷	۱	۶	۵	۸	۶	۴	۴	۵
۴	۷	۸	۱	۶	۵	۴	۶	۹
۶	۵	۶	۴	۷	۴	۸	۱	۷
۵	۶	۱	۸	۵	۷	۱	۴	۸
۸	۱	۷	۵	۱	۸	۶	۷	۴
۷	۴	۴	۶	۷	۴	۵	۸	۵
۱	۶	۷	۴	۵	۷	۴	۸	۶

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ۷۲۴

۸		۱	۶			۲		
		۷		۱	۸	۴	۶	۳
	۲	۶		۵			۹	۱
	۸	۲	۹		۱		۷	
		۴	۵	۷				۸
۷	۳			۴	۶			
	۹		۴				۲	۵
۴					۹	۳	۸	
۲				۶		۷		۹

حل سودوکو ۷۲۳

۳	۶	۴	۸	۱	۵	۲	۹	۷
۱	۹	۷	۴	۶	۲	۵	۳	۸
۲	۸	۵	۳	۹	۷	۱	۴	۶
۷	۲	۱	۶	۵	۳	۴	۸	۹
۵	۴	۶	۹	۷	۸	۳	۲	۱
۹	۳	۸	۱	۲	۴	۶	۷	۵
۶	۷	۹	۲	۳	۱	۸	۵	۴
۸	۱	۲	۵	۴	۹	۷	۶	۳
۴	۵	۳	۷	۸	۶	۹	۱	۲